



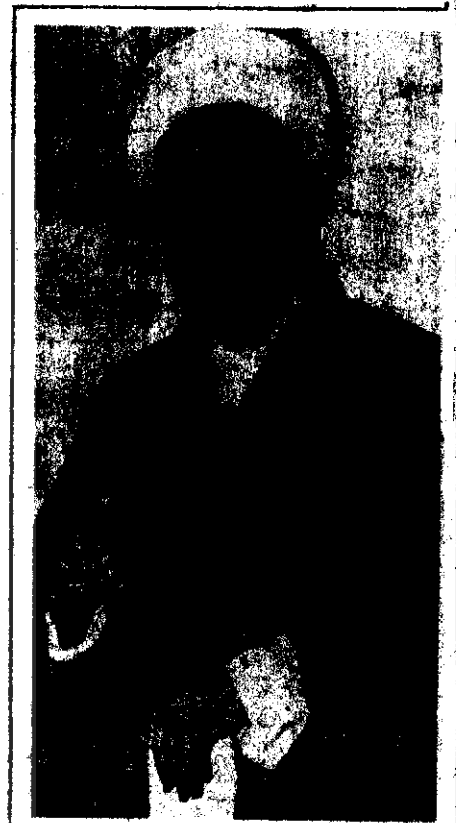
نکاتی پیرامون: سخاوت، ایثار، تبعیض و...

حقیقت توکل بنا بر عرض امروز من مرکب شد از دو چیز: مصرف کردن توان (سعی و کوشش تا آنجا که انسان باید انجام وظیفه کند) این یک جزء و توکل وانگاز و دل گرمی به الله که باید او اراده کند تا مشیت و هدف حاصل شود، در هر ملتی چنین مطلبی تحقق یافت آن ملت، ملت متوکل است، آن ملت ملت با خداست وقتی که من به تواریخ مراجعه می کنم وقتی روایات و آیات مربوط به توکل را می بینم و سپس جامعه خودمان را و امر امام امت این ابراهیم زمان و این تاریخ ساز دنیا را هم می بینم بحمدالله می بینم که جامعه ما، جامعه متوکل است، خدا شکر که چنین نعمتی و چنین مقامی به ما عطا فرمودی از یکطرف بسیج عمومی برای نبرد با دشمن، هرکس (جوانها، مردها و زنها) در حد توان خودش به کشورش خدمت می کند و متوجه به طرف جبهه است از طرف دیگر آن آقای که پارادایم مصاحبه می کند در جبهه می گوید: ما برای الله و در راه اسلام و برای اطاعت امر امام به جبهه آمده ایم، این معنای توکل است، انجام وظیفه می کند توان خودش را مصرف می کند اما در پشت تمام این پرده ها الله را به چشم باطن می بیند بنام به شما ای ایرانیها اگر کسی برود کشورهای دیگر حتی کشورهای اسلامی را ببیند و روحیات آنها را مطالعه کند و سپس برگردد به این کشور می گوید بارک الله به شما ای اهل بیت عصمت عجب انسانهایی میپروانید، برادر و خواهر اسلام عظمت بخش و انسان ساز است و صفتهای انسانی را در روح انسان ایجاد می کند، به سوی اسلام بگردید شما ها که با اسلام می جنگید، ای جوانانی که به راه انحراف میروید و بر علیه انقلاب قدم بر میدارید و توطئه می کنید، خیال نکنید این ملت و این امتی که عاری از مهر را بیرون کردند و آمریکا را بزاتو در آوردند و صدام را دارند نابود می کنند، از مقابل شما فرار می کنند و در برابر شما عاجزند، اینان می بینند، اینان منتظر دستور امامشان هستند آنگاه که رهبر فرمان دهد شما از آمریکا بالاتر نیستید، حسابتان در یک روز تصفیه میشود من ناصحانه به شما عرض می کنم بشنید سرچای خودتان این ملت آگاه است این ملت شهید و وثقات مالی فراوانی داده است و هیچ گاه حاضر نیست، کشوری که با هزاران زحمت از حلقوم آمریکا بیرون آورده است شما دوباره به حلقوم یک ابرقدرت دیگر به نام شوروی یا دوباره به حلقوم آمریکا وارد کنید این مطلب در ایران بعد از این محال است، این ملت زنده اند، و استقلالشان را حفظ خواهند کرد و به هیچ قیمتی دست از این استقلال پرت نخواهند داشت، ناصحانه به شما می گویم به اغوش ملت برگردید تا سعادت را بفهمید، بگذارید فکر این ملت در جبهه باشد، به شما می گویم صدام نابود میشود، همت جوانهای ما آمریکا را از بین میرد، مفضحش کرده و میکند.

پاسخ به سوالات:

سوال اول: نقش کتابهای استاد مطهری تا چه حد

پیامبر اسلام وقتی که به معراج میرود از خدا میپرسد: پروردگارا «أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَيْكَ، أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ، أَيُّ الصِّفَاتِ أَفْضَلُ» خدا کدام عمل را دوست داری و کدام صفت فاضلترین صفتهاست؟ فرمود: ای پیغمبر فاضلترین صفت، صفت توکل است. مرحوم فیض در کتاب حقائق شان جمله ای را نقل می کند که بسیار خوب است. عابدی درس خواند دید از مسئله توکل زیاد سخن رفته است او از شهر بیرون شد رفت در سرکوهی مشغول به عبادت شد. گفت: من توکل به الله کرده ام (از همان اشتباهات که در بنی اسرائیل بعضی از عباد کردند) یک روز از صبح تا غروب مشغول نماز بود، شب هم مشغول نماز بود و اندکی خوابید تا اینکه یک روز گذشت خبری نشد گرسنه اش شد روز دوم گرسنه شد روز سوم دید دارد از دست می رود، و اعضایش قفل به حرکت نیست دست به دعا برداشت گفت: پروردگارا من به تو توکل کرده و اینجا آمده ام یا مرا قبض روح کن یا روزی مرا بفرست. اینجا جمله ای به وسیله پیامبر یا الهام به این عابد رسید، این جمله را توجه کنید «أَرَدْتُ أَنْ تَذَهَبَ حِكْمَتِي بِرُؤْيُكَ» آقای عابد خواستی حکمت مرا با زهدت باطل کنی، توکل معنایش این نیست اشتباه کردی، مگر نمی دانی که من بندگان خودم را بوسیله کار و کوشش و سعی با همدیگر روزی میدهم باید بروی بانی تو وارد شهر بشوی و مثل مردم سعی و کوشش کنی، فعالیت کنی و بیل به دست بگیری، قلم به دست بگیری و کار انجام بدهی تا روزی تو را بدهم، «وَفِي أَسْمَاءَ رِزْقِكُمْ وَمَا تَوْعَدُونَ» اما من با شرط روزی میدهم، شرطش فعالیت شماست، پس آن فرد و جامعه ای که خیال می کند اسلام توکل آورده و سعی و کوشش نمی خواهد اشتباه کرده است میفرماید: «روزی شما در دست شما نیست و باید من بدهم اما شرطش این است که تو توان خودت را مصرف کنی، حقیقت توکل با این دو جمله است هر روزی را آنگاه بی تو دید من میدهم و تو باید بی تو دید توان خودت را مصرف کنی.



مقدمه: در ادامه سلسله درسهای عرفان عملی از معلم اخلاق حضرت آیت... مشکینی در این شماره بدنیا بحث گذشته، بحث پیرامون توکل و پاسخ به چند سوال (فرق سخاوت و ایثار معنای نفسی تبعیضات در اسلام آیا بهشت ماندن است یا روحانی؟ و...) از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت.

است؟

جواب خدا این مرد عظیم و این محقق بزرگ را رحمت کند، حیف از استاد مطهری خدای میدانند در غالب جاها، در مجلس خیرگان و جاهای دیگر من جای ایشان را خالی می دیدم و اسلام یک انسان ارزنده ای را از دست داد. کتابهایش پر از ارزش است من انحراف اسلامی، انحراف عقیدتی و اخلاقی در کتابهای ایشان که مقدار زیادش را مطالعه کرده ام، ندیده ام و توصیه می کنم به برادران و خواهرانم که از کتابهای ایشان تا قدرت دارند استفاده کنند.

سؤال دوم: یکی از شیوندگان پرسیده است که فرقی «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» با آیه «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانُ بِهِمُ الْخَصَاءِ» چیست؟

جواب: در هفته گذشته گفتیم که اسلام در باره احسان و بذل یک راه متوسطی پیموده است، فرمود نه همه دارائیت را بده و نه بخالت بورز که هیچی ندی (متوسط) یک مقدار برای خودت، یک مقدار برای دادن و بذل کردن و مابینجوری بیان کردیم، اسم این معنا را سخاوت گذاشتیم این آقا می گوید این معنای سخاوت با این جمله آیه میفرماید «یؤتوون علی انفسهم» علی (ع) و زهرا سلام... علیه وانه علیهم السلام اینها آنچه داشتند همه را میدادند و نمی گذاشتند چیزی بماند، پس آیا معصومین به سخاوت بر طبق آیه عمل نمی کردند؟

پیامبر اسلام هنگامی رفتن

به معراج از خدا در مورد فاضلترین صفتها سؤال نمود، خداوند در جواب فرمود ای پیامبر فاضلترین صفت، صفت توکل است.

فرق است بین سخاوت و

ایشار: سخاوت یعنی به اندازه ای که بتوانی مایحتاج خانواده ات را تأمین کنی برای خود بردار و مابقی را در راه خدا بذل و احسان کن و اما ایشار یعنی هرچه دارید در راه خدا بدهید.

دو مطلب است برادر و خواهر یک مطلب، مطلب سخاوت است و یک مطلب، مطلب ایشار است، ایشار این است که انسان هرچه که دارد بدهد، اما راه دارد اگر شما هرچه که داشتید در راه الله دادید، و هیچی برای خودتان نماند وقتی که به خانه برمیگردید عیال و بچه هایتان در خانه منتظرند که شما مایحتاج آنها را بخرید و ببرید وقتی که برگشتید هیچی نبرید، می گویند آقا پس چرا هیچی نیاوردید اگر در جواب بگویند هرچه داشتیم همه را در راه الله دادم آن وقت است که خانواده ات دعوا می کنند، بچه ات از گرسنگی میمیرد، علی باشما فرق داشت، اگر یک خانمی بلامتشبه مثل زهرا سلام... علیه داری و هرچه گرسنه بمانی او هم خوشوقت است که با تو گرسنه بماند شما هم مثل او باشید و بدهید اما زن و بچه شما همچون خانواده علی (ع) نیست از شما نان می خواهد، آب می خواهد باید آنها را اداره کنید آنها از دیگران بر شما واجب ترند، اول زن و فرزند و عیالتان را بر طبق معمول اداره کنید و مابقی را هرچه دارید بذل کنید، مگر اینکه خانواده اتان راضی باشند و بخواهند همچون شما گرسنه بمانند آنوقت هرچه دارید ببرید و بذل کنید که این ایشار است.

سؤال دوم: اینکه اسلام تبعیضات رانفی کرده است به چه معناست؟

معنای اینکه اسلام تبعیضات را نفی کرده این است که همه مردم در برابر قوانین اسلامی یکسانند یعنی اگر یک کسی زنا بکند باید حد بخورد، دیگر تبعیض در کار نیست چه مرد باشد، چه زن، غنی باشد، فقیر، عالم باشد، یا جاهل، فرقی نمی کند همه در برابر قانون مساویند، اما اینکه بگوئیم تبعیضات نیست معنایش این باشد که یک آقائی را می خواهند فرماندار یا استاندار کنند یا مقامی بالا تر بدهند بگوئیم اسلام تبعیض قائل نشده هرکس که باشد بیاورید فرماندار یا استاندارش کنید، نه آقا این درست نیست هر مقامی را به کسی که لیاقت دارد می دهند، به همه کس نمی شود گفت بیاقاضی باش، نخست وزیر باش، ملاحظه کردن و منصبی بر طبق لیاقت دادن تبعیض نیست بلکه این مطلب عقلانی است.

سؤال: در انتخاب شغل اذن پدر شرط است یا نه؟

جواب: جوانها خیلی گرفتار این مطلبند که آیا برویم و یا ازدواج بکنیم، پدر و مادر مان حتما باید راضی باشند، جوابش اینست که پدر و مادر ولایتش بر بچه تا حدی است که بچه بالغ نشده یعنی پدر و مادر تا بچه بالغ نشده ولایت دارند اما پس از آنی که دختر و پسر بالغ شدند مستقل هستند به این معنا، یک کاری می کنی پدر و مادر را در جریان قرار نده برو کارت را انجام بده، پدر و مادرت هم نفهمد هر کاری می خواهی بکن خلاف شرع نکن، هر کاری دلت می خواهد انجام بده، پدر و مادرت هم نفهمد، هیچ عیبی ندارد اما اگر یک وقت پدر و مادر فهمید که شما می خواهید این حرکت را بکنید، این سفر را

معنای اینکه اسلام

تبعیضات را نفی نموده این است که همه مردم در برابر قوانین اسلامی یکسانند. اما معنایش این نیست که هر مقامی را به هر کسی که خواستیم، بدهیم، بلکه ملاحظه کردن و منصبی بر طبق لیاقت دادن تبعیض نیست بلکه این مطلب عقلانی است.

علمای اسلام معتقدند که

معاد جسمانی است نه روحانی، یعنی پس از اینکه این بدنها مخلوط به خاک شد و در خلل و فرج جهان گم شد، یک روز پروردگار همین بدن را در آن عالم زنده خواهد کرد.

بکنید این ازدواج را بکنید، اگر فهمید و گفت عیب ندارد و یا گفت نه اگر شما به حرف آنها گوش نکردید و انجام دادید ناراحت می شوند اینجا شما عاق والدین می شوید بنا بر این مجبورید آن کار را نکنید البته در کار حرام، واجب راضی گوئیم، یک وقت می گویند نماز نخوان اگر نماز نخواندی ناراحت می شود، بیخود ناراحت می شود یک وقت می گویند اگر شراب نخوری من ناراحت می شوم بیخود ناراحت می شود، در کارهای حیا اگر ناراحت می شود نباید انجام بدهی باید رضایت او را تحصیل کنی و بعد انجام بدهی.

سؤال: آیا بهشت مادی یا معنوی؟

جواب: بهشت یک جاتی است که باید با همین بدن بروی، علمای اسلام معتقدند همه مسلمین شاید اینجور باشند که معاد، معاد جسمانی است نه روحانی، یعنی پس از اینکه این بدنها در زیر خاک مخلوط به خاک شد و در خلل و فرج جهان گم شد هو ضللتا فی الارض، در میان زمین گم شدیم و نابود شدیم یک روز پروردگار همین بدن را در آن عالم خواهد آورد و زنده خواهد کرد و روحهای ما را که در یک جهانی بنام عالم برزخ بایگانی شده، دوباره می بقیه در صفحه ۶۳

نکاتی پیرامون، سخاوت...

آورد و با همین بدنها که از زمین رشد کرده مخلوط می شود. «وإذا النفوس زوجت» پس همین بدن و جسم است که به بهشت میرود یعنی بهشت جسمانی است، یعنی بهشت فقط خواب و رویا نیست، در عالم فکر و خیال پریدن نیست. اینها همه (معراج، معاد، بهشت، و جهنم) جسمانی هستند.

سوال: آیا اگر کسی از گناه توبه کند خدا او را می بخشد؟ پس آیه «فمن يعمل مثقال ذرّ خیراً یره» و یا «فمن يعمل مثقال ذرّ شراً یره» چطور است؟
جواب: معنای اینکه اگر توبه کند خداوند به گناهان آنها قلم می کشد و گناهان کبیره آخرتی ندارند، بله اگر توبه حقیقی باشد خدا دیگر در آخرت شلاق نمی زند، هر چه هم که گناه بزرگ باشد اگر در دنیا توبه کند و قضایش را بجا آورد، کفاره اش را بجا آورد و مال مردم را بدهد، وقتی با توبه درست به عالم آخرت رفت خدا به خاطر این گناه او را عذاب نمی کند اما آنجا که می فهمید یک چنین گناهی کرده است آیه میفرماید «فمن يعمل مثقال ذرّ خیراً یره و یرا یره» هر کس اندکی هم گناه و ثواب کرده باشد آنجا می بیند، معنایش این است که در نامه عملشان می خواند، میفهمد که این عمل را کرده و لکن خدا از روی لطف چون توبه کرده کتک نمی زند «یره» معنایش این میشود که در نامه عملش می بیند و توبه این می شود که مجازاتی ندارد.
نامه ای نوشته اند چند نفر راجع به عشرت در

خانواده، برخی از برادرانمان بر ایمان نامه نوشته اند و در آنجا شکایت از همسرانشان کرده اند و برخی از خانمها نامه نوشته اند و شکایت از شوهرانشان کرده اند. برادران و خواهران معلوم است اینها آنجوری که اسلام برای زن و مرد دستور داده به دستور اسلام خوب توجه نکرده اند من توصیه می کنم به خواهران و برادران که دستور اسلام را درست ببینند یکی از مهمترین دستور را اینجا عرض می کنم این است برادری که شما به کلر می روید و شب که بر می گردید در اثر کوشش و فعالیت زیاد خسته اید، ناراحتید، اینها را قبول داریم اما اسلام می گوید حساب خستگی و کوفتگی و ناراحتی تان را با خانمان تصفیه نکنید وقتی که وارد خانه شدید همه اینها را کنار بگذارید او (زن) انسان دیگری است که با شما پیمان هسری و انس همیشگی بسته است ناراحتی تان را اگر از دیگران دارید برای او بگویند اگر به خاطر ناراحتی تان او را ناراحت کنید غلط است. میگوید «و عاشروهن بالمعروف» باید با هم دیگر بنشینید درست صحبت کنید، با هم دیگر انس صحیح بگیرید.

برای یکدیگر پیش آمدی را که اتفاق افتاده اظهار کنید، آن هم نه آنگونه که اوقات تلخی بیاورد «و عاشروهن بالمعروف» می گوید باید با هم دیگر با کمال ملاحظت و خوش اخلاقی و تحمل رفتار کنند و صمیمانه یک زندگی شیرینی را انجام دهند.

زیرا اینها می خواهند همیشه با هم زندگی کنند و از هم دیگر گذشت داشته باشند اگر یکی اشتباه کرد و حرفی را زد، آن دیگری به او نپرد تا انشاء... زندگی شیرینی را داشته باشند جمله ای را پرسیدند که در آخر به دوستان عرضه می کنم. پیغمبر گرامی قبل از نبوتش چه دینی داشته است من این جمله را مقدمتا برای هدفی عرض می کنم درباره پیغمبر گرامی علما اقوالشان مختلف است من فقط رای و قول علما را نقل می کنم، یک عده می گویند پیغمبر گرامی قبل از چهل سال (قبل از اینکه جبرئیل برایش بیاید و قرآن و احکام و دین برایش بیاورد) بر طبق آنچه عقل خودش اقتضا می کرد عمل می نمود و او عقل کل است گناهان را بر طبق عقلش درک می کرد و کارهای زشت و خیر را درک می کرد و بر طبق آن ادراک کلی، عظمی که داشت عمل می کرد یک عده از علما گفته اند پیغمبر گرامی قبل از نبوت به دین حضرت ابراهیم عمل می کرد زیرا که دین حضرت ابراهیم تا زمان پیغمبر (ص) در حجاز و مکه مانده بود و دین موسی (ع) و عیسی (ع) در اردن و فلسطین و آن حدودها بوده، و به مکه زیاد نرفته بود و پیغمبر گرامی بر طبق دین حضرت ابراهیم که قرآن هم می گوید «واتبع ملة ابراهیم حنیفا» عمل می کرد. عده سوم از علما می گویند پیغمبر گرامی به دین حضرت عیسی عمل می کرد زیرا آخرین دین قبل از اسلام دین حضرت عیسی است یکی از این مطالب هست و هر کدامش را انسان بگوید اشکال ندارد.

ادامه دارد

ایمان، زینت جان آدمی...

وحدانیت شهادت می دهند. اینجا که سخن از علم و ایمان و معرفت است علما و متدینین را با فرشته ها ذکر می کند. آنجا سخن از خوردن است انسان را با دامها یکجا ذکر می کند. فرمود: دنیا مانند آن است که بارانی بیبار، زمینی برویاند انسان و دامی را به خود جذب بکند «حتی اذا اخذت الارض زخرفها و ازینت و ظن اهلها انهم قادرون علیها عطاها امرنالیلا اونهارا» وقتی زمین زینت خود را گرفت و زیور خود را دربرکرد و متزین شد و اهل زمین که دارای این باغ و بوستانند چنان کردند که کاری از آنها ساخته است چون متمکن و چیز دارند در همین مقطع فرمان مانتابانه یا روزانه فرامی رسد «فجملناها حصیدا کان لم یقن الارض» ما این بوستانهای سرسبز و خرم را آنچنان درو می کنیم و جاییش را بپزمرده می کنیم که گویا دیروز در اینجا باغ نبود. این آیه کریمه تمام زرق و برق طبیعت را زینت زمین می داند نه زینت انسان. «کذلک فصل الایات لقوم یتفکرون» اگر کسی بیندیشد این مسائل را خوب می فهمد که اولاً تمام زرق و برقها زینت زمین است نه زینت انسان. ثانیاً این زیور

این حکیم نامور می گوید نوش و نیش دنیا بقدری پشت سرهم و نزدیک است که مانند نوش و نیش زنبور عمل است که اگر با دهن غسل و نوش میدهد بادم نیش میزند این قدر بین نوش و نیش دنیا فاصله نیست این قدر بین نشاط و بزمردگی طبیعت فاصله نیست. اگر دوران خرمی جوانی نوش زندگی است دوران سالمندی هم نیش زندگی است اگر دوران سلامت نوش زندگی است دوران بیماری هم نیش زندگی است پس عالم طبیعت دارالسلامه و عالم سالم نیست «و الله یدعوالی دارالسلام» خدا انسان را به عالمی دعوت می کند که نوشش بی نیش و نشاطش بی غم و امانش بی هراس می باشد، و آن بهشت قیامت است. امیرالمومنین (ع) فرمود: ای انسانها جانتان به اندازه بهشت می آرزو مواظب باشید این جانتان را به غیر از بهشت نفروشید که ضرر کرده اید (جانتان فوق آن است که به عالم طبیعت بفروشید) چون خدا سلام است یکی از اسما، حسناهی خدا سلام است بهشت هم دارالسلامت و امان است. نه کسی در آنجا خلاف می کند و نه آسیب میبیند این عالم پایان سیر انسان است، آن انسانی که به ایمان و معرفت و عمل صالح مزین شده است. «و یهدی من یشالی صراط مستقیم» (ادامه دارد)

زمین هم ناپایدار و رفتنی است. اگر انسان ابدی و ماندنی خود را گرفتار زینت رفتنی کرد و جان خویش را برای ابدتیره کرده، راه درمانش چیست؟ این آیات آن قدمهای اولی را به ما نشان می دهند که فریب نخوریم. آن مقام بلند عنداللهی که در اول همین سوره یونس انسان را به او وعده داد که فرمود «و بشر الذین امنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم» الان در این بحث هستیم که انسان آلوده نشود. تاباطبی این درجات به جایی برسد که خویشش خویش را فدای هدف بکند، به جایی می رسد که خود زینت یک امت خواهد شد. انسان می تواند جوامع انسانی را مزین کند که خود زینت یک امت شود این مقام برای انسان هست ولی در قدمهای اولی، بحث در این است که چگونه از تیرنگ نجات پیدا کنیم که لا اقل گلیم خویش را از خطر حفظ کنیم. بدینا این آیه فرمود «و الله یدعوالی دارالسلام» دنیا که عالمی اینچنین بود اگر نشاطی داشت بزمردگی را در پی دارد اگر نوش داشت نیشی را هم در پی دارد. بقول نظامی:

نوش و نیش جهان که پیش و پس است
در کم و دردم یکی مگس است